

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

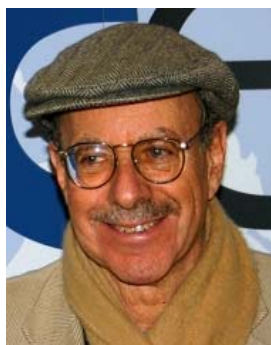
Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۹ جون ۲۰۱۷

## بالکانیزه کردن خاورمیانه بر اساس «طرح صهیونیستی اودید ئینون جهت ایجاد اسرائیل بزرگ»

امریکا و ترکیه: بالکانیزه کردن خاورمیانه



جیمز پتراس

مقدمه:

واشنگتن در ۲۰ سال گذشته در سراسر خاورمیانه، جنوب غربی آسیا و شرق افریقا، متجاوزانه به دنبال راهبرد (ستراتژی) قدیمی «تفرقه بینداز و حکومت کن» بوده است. واشنگتن که از ناتوانی خود جهت کنترل سیاست ملی ملت – کشورهای مستقل مختلف ناامید گشت، مستقیم و غیرمستقیم از نیروهای نظامی استفاده نموده است تا دولت‌های مرکزی ملت‌های هدف قرار گرفته را نابود کرده و دولت‌های کوچک قومی و قبیله‌ای گوش به فرمان قوانین امپریالیستی سرهم‌بندی نماید. به دلیل این سیاست امپریالیستی، ده‌ها میلیون نفر بی‌خانمان و آواره گشته و میلیون‌ها نفر دیگر کشته شده‌اند.

\*\*\*

واشنگتن جهت پیش‌برد ستراتیژی تکه تکه کردن و تجزیه دولت‌های مستقل، به دقت از «طرح اسرائیل بزرگ\*» پیروی می‌کند که توسط نویسنده سیاسی نظامی اسرائیلی اودید ئینون در فیبروری سال ۱۹۸۲ تهیه شد و به وسیله آژانس صهیونیست جهانی منتشر گردید (۱). ئینون معتقد بود که کلید تسلط اسرائیل بر خاورمیانه، متکی بر تقویت اختلافات قومی – مذهبی و منطقه‌ای است (۲). به دنبال طرح ئینون، تل آویو ابتداء موافقت‌نامه‌هایی را با اردن و مصر جهت قطع حمایت منطقه‌ای اعراب از فلسطینی‌ها به امضاء رسانید. سپس به سراغ قطعه قطعه کردن آنچه که از اعراب -

فلسطین باقیمانده بودند، رفت که بین کرانه باختری و غزه به محاصره شدگان کوچک جنگنده تبدیل شده بودند. سرانجام اسرائیل با همکاری «مقامات فلسطینی» فاسد تحت ریاست محمود عباس فضای گسترده ای از کرانه باختری را چندپاره کرد.



### \*\_طرح صهیونیستی اودید نینون جهت ایجاد اسرائیل بزرگ

ستراتژی « تفرقه بینداز و حکومت کن» اسرائیل در خاورمیانه بزرگ بستگی دارد به قرارداد حامیان «اول اسرائیل» در موقعیت‌های سیاست‌گذاری در وزارتخانه‌های دفاع، امور خارجه و خزانه داری امریکا و نفوذ در هیأت قدرتمند صهیونیستی – که به اصطلاح «لابی اسرائیل» - جهت کنترل کنگره و ریاست جمهوری امریکا در اموری که مربوط به اسرائیل ست.

بنابراین، ستراتیژی اسرائیل برای خاورمیانه در تجزیه و تضعیف دولت‌های حامی فلسطین، به سیاست رسمی اسرائیل در برابر به کشورهای عربی تبدیل شده است.

این سیاست تنها محدود به خاورمیانه نیست: سیاست‌گذاران اسرائیلی و امریکائی جهت تضعیف دولت «حامی فلسطین» در سودان با ایجاد گروه‌ها و پشتیبانی از جدائی‌طلبان جنگ سالار قبیله ئی در منطقه غنی از منابع «جنوب سودان»، مداخله کرده اند که منجر به قتل عام توده ئی و خشک‌سالی و قحطی شد.

سومالی، لیبیا و اتیوپی نیز با جنگ‌های منطقه ئی به وسیله عملیات مرئی و نامرئی مشاوران اسرائیلی و کمک مالی و سلاح‌های امریکا از هم گسیخته شدند.

سیاست اسرائیل جهت تضعیف، تجزیه و نابودی کشورهای قابل دوام در حال توسعه، با سیاست‌های سنتی رژیم‌های استعماری، که به دنبال فتح و استثمار ملت – کشورهای متحد بود، فرق می‌کند. واشنگتن کورکورانه از «سبک» امپریالیستی اسرائیل بدون ارزیابی از تأثیرات آن بر منافع امریکا پیروی کرده است، در نتیجه، تجربه بهره‌برداری اقتصادی گذشته خود را از ملت کشورهای ماندگار تضعیف کرده است. حامیان «ابتداء اسرائیل» در درون سازمان سیاست‌گذاری اداری فدرال امریکا جهت حمله و تخریب عراق در سال ۲۰۰۳، نقش تعیین کننده ای در بهانه‌های ساختگی بازی کردند. آنها با «مدارک» جعلی مبنی بر این‌که عراق دارای «سلاح‌های کشتار جمعی» ست، فشار آوردند و طرح تجزیه عراق به سه منطقه قومی «پاک‌سازی شده» را ترویج نمودند: کُردها (به عنوان متحدان اسرائیل) در شمال، سنی‌های فقیر و فرسوده شده در مرکز و رهبران قبیله ئی شیعه که به آسانی کنترل شده اند در جنوب.

سیاست خلع قدرت از دولت مرکزی و ترویج تقسیمات منطقه ئی در عراق برای مقامات امریکائی نتیجه معکوس داد: شورشیان سنی، که اغلب توسط بعضی‌های باتجربه مقامات (سابق ارتش عراق) آموزش داده شده بودند، دولت اسلامی (داعش) را تشکیل دادند، شهرهای بزرگ را تحت کنترل خود گرفتند، و تمام ساکنان غیر سنی، و غیر عرب را کشتار

کردند، و تهدید نمودند که یک دولت مستقل ایجاد کنند. دولت تحت رهبری شیعه در بغداد جهت دریافت حمایت به سوی ایران رفت، و امریکا و اسرائیل و کردها را مجبور ساخت تا علیه داعش اعلان جنگ کنند، درحالی‌که تلاش نمود دست‌نشانندگان قبیله‌ای سنی تضعیف شده را حفظ کند. از حکومت مرکزی که زمانی جمهوری قدرتمندی در عراق بود، هیچ چیزی باقی نمانده است.

امریکا در حمله به و بمباران یمن به ائتلاف عربستان سعودی پیوست تا شورشیان حوثی را نابود سازد که یمن در خدمت گروه‌های سلفی سنی متحد القاعده باشد. هدف تضعیف یمن و جلوگیری از گسترش طغیان‌های مردمی یمن به عربستان سعودی و همچنین تضعیف هرگونه ائتلافی از حوثی‌ها با ایران و بیان حمایت از فلسطین بود.

امریکا به طور مستقیم به افغانستان حمله برد و توقع داشت که آن‌جا را براحتی فتح کند و آن منطقه بسیار بزرگ را «به طور منظم» تجزیه نموده، و «با مهارت» گروه‌های قومی و قبیله‌ای مناطق مختلف را علیه یکدیگر به رقابت وادارد – درحالی‌که جهت راه اندازی جنگ‌های آینده علیه رقبای امریکا (و اسرائیل) در ایران، آسیای مرکزی و چین یک موقعیت ستراتیژیک نظامی و سودآور را تنظیم نماید.

جنگ‌جویان چریک پشتون اسلام‌گرای افغان، گرگ‌های باران دیده‌ای هستند، که به رهبری طالبان، با آداب و رسوم و گسترش روابط خانوادگی و قبیله‌ای، ملی، مذهبی و قومی متحد شده‌اند، و توانستند با موفقیت در برابر ستراتیژی تجزیه و تسخیر افغانستان مقاومت کنند. آن‌ها اکنون اکثر حومه کشور را کنترل می‌کنند، در نیروهای مسلح و پولیس نفوذ کرده و تأثیرگذارند، و توانسته‌اند نیروهای امریکائی را به پادگان‌های پایگاه‌های هوایی به‌عقب رانده، به‌گونه‌ای که امریکا را مجبور کرده‌اند که در انداختن بمب‌های بسیار قوی به هوا گره (طبقه فوقانی ۱۱ کیلومتر به بالا) اتکاء کند.

در همین حال، واشنگتن و قدرت‌های ناتوی که با گزارشات تبلیغاتی رسانه‌ای از «موفقیت» خود کور شده‌اند، یک جنگ نیابتی خونین را علیه دولت ملی‌گرای سکولار سوریه به راه انداخته‌اند، که بتواند حکومت مستقل حامی فلسطین، حامی ایران، و متحد روسیه را تجزیه، فتح و نابود نمایند.

ارتش‌های مهاجم ناتو و گروه‌های مزدور، با این‌حال، به جناح‌های عجیب و غریبی تقسیم شده‌اند که سرسپردگی و حمایت خود را هر از چندی تغییر می‌دهند. در یکسو، شورشیان گردن‌زن «میان‌رو» هستند که توسط اتحادیه اروپا و امریکا حمایت می‌شوند. سپس، ترکیه و عربستان سعودی قرار دارند که حامی سلفی‌های القاعده‌ای گردن‌زن «تندرو» هستند. سرانجام، گروه‌های داعشی گردن‌زن «قهرمان» مستقر در عراق و سوریه، و همچنین گروه‌های مختلف مسلح گرد هستند که به عنوان مزدوران اسرائیل خدمت می‌کنند.

تلاش‌های امریکا و اتحادیه اروپا جهت فتح و کنترل سوریه، از طریق نیابتی‌ها، مزدوران و تروریست‌ها، تا اندازه زیادی به دلیل ائتلاف سوریه با روسیه، ایران و حزب الله لبنان شکست خورده است.

سوریه توسط قدرت‌های امپریالیستی و منطقه‌ای رقیب به‌گونه‌ای مؤثر «قطعه قطعه» شده است که احتمال دارد به یک درگیری بین قدرت‌های بزرگ منجر گردد. درگیری امریکا – کردها – ترکیه فوری‌ترین خطر جدی جنگ علنی را در میان ملت‌های بزرگ ارائه می‌دهد.

واشنگتن در سیاست ظاهراً متضاد خشونت آمیز خود جهت سرنگونی دولت سوریه در دمشق، از بسیاری گروه‌های نیابتی حمایت می‌کند. ستراتیژیست‌های پنتاگون درحالی‌که سرزمین‌ها را از داعش تصرف می‌کنند، به شدت‌ترین وجهی بر روی نیروهای دمکراتیک گرد سوریه (وای پی جی) متکی هستند. امریکا حمایت نظامی خود را برای نیروهای دمکراتیک گرد سوریه افزایش داده، و به آن‌ها قول داده است که برایشان سلاح‌های سنگین فراهم نماید و حمایت زمینی و هوایی امریکا را افزایش دهد. در همین حال، نیروهای دمکراتیک گرد سوریه کنترل خود را در مناطق گردی در

سوریه به ویژه در امتداد مرز ترکیه گسترش داده است، و کُردهای سوریه با کُردهای ترکیه و کُردهای عراق یک رابطه قدرتمند ارضی ایجاد نموده است. عرضه سخاوت‌مندانانه سلاح‌های سنگین امریکائی به نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه، به گونه‌ای منجر به افزایش توان کُردها گشته است که می‌توانند جهت ایجاد «کردستان بزرگ» همجوار با ترکیه بجنگد. به علاوه، دولت امریکا به طور علنی ترکیه را مطلع کرده است که نیروهای مسلح امریکا جهت حمایت از نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه - و غیرمستقیم از پ ک ک - در برابر حملات ترکیه یک «سپر دفاعی» ارائه خواهد داد.

رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوخان، به خوبی آگاه است که هدف نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه این است که جنوب شرقی ترکیه و شمال سوریه را جدا نمایند و با کردستان عراق یک کشور کُرده تشکیل دهد. ضمانت جیمز ماتیس وزیر دفاع امریکا، مبنی بر این که «واشنگتن متعهد به حمایت از متحد ناتوئی خود (ترکیه)» می باشد، در بهترین حالت مبهم و به احتمال زیاد یک وعده توخالی است. واشنگتن بر روی کُردها به عنوان یک متحد ستراتیژیک علیه هردو، دمشق و داعش حساب می‌کند. احتمال دارد که پنتاگون تنها پس از نائل آمدن به اهداف دوگانه خود در سوریه علیه کُردها تغییر جهت دهد و از دولت ترکیه حمایت نماید.

آنچه که این برنامه را پیچیده می‌کند، روابط درازمدت اسرائیلی‌ها با کُردهای عراقی به عنوان بخشی از ستراتیژی تفورقه بینداز و حکومت کن خودشان است. در همین حال، تل‌آویو دمشق را بمباران نموده است و به جنگجویان داعش در جنوب سوریه (با ارائه آذوقه و «درمان پزشکی بشردوستانه») کمک نموده است، در حالی که علیه ارتش‌های سوریه و ترکیه از نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه حمایت نموده است.

رژیم اردوخان در یک حالت سردرگمی به سر می‌برد: پیروزی کُردهای نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه و اشغال مناطق ارضی در امتداد مرزهای ترکیه توسط آنان، اساساً «یکپارچگی کشور ترکیه» را تهدید می‌کند. حضور کُردهای مسلح و متحد در این منطقه منجر به فشار زیاد احزاب سیاسی ملی گرا، حامیان و نیروهای مسلح ترکیه بر اردوخان می‌شود. از طرف دیگر، اگر اردوخان حملات مرزی را به سوی نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه مورد حمایت پنتاگون راه بیندازد، مستقیماً با قدرت هوائی و زمینی امریکا مواجه خواهد شد.

رئیس جمهور اردوخان به روشنی می‌داند که امریکا در نفوذ صامت «گولانیست» در دولت ترکیه که منجر به کودتای خنثی شده گولانیست در سال ۲۰۱۶ شد، درگیر بود. احتمال دارد که در دیدار برنامه ریزی شده اردوخان با دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا در اواسط ماه مه ۲۰۱۷، مسأله قریب الوقوع رویاروئی ترک‌ها با کُردها در سوریه-جائی را که امریکا متعهد به حمایت از نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه است، حل نکرده باشد.

واشنگتن امیدوار است تا رئیس جمهور اردوخان را متقاعد سازد که نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه، این منطقه ستراتیژیک را به یک رهبری دست‌نشانده شبه نظامی عرب خرد و غیروابسته به گروه خاصی، احتمالاً به یکی از همکاران جنگ امریکا - ناتو - سعودی علیه دمشق تحویل می‌دهد. دشوار است تصور کرد که سیاست‌مدار کهنه کاری مانند اردوخان طرح پنتاگون، مبنی بر برگرداندن سرزمین موروثی را باور کرده باشد که نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه جهت حفاظت از آن منطقه جنگیده و کشته داده اند. امریکا در موقعیتی نیست که نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه را مجبور به تسلیم دستاوردهای خود بکند، بدین دلیل که وجود نیروهای دمکراتیک کُرده سوریه جهت طرح واشنگتن- اسرائیل - سعودی برای نابودی دولت مرکزی در دمشق و تجزیه سوریه به کشورهای کوچک ضعیف قبیله‌ئی حیاتی است.

شکست حتمی اردوخان جهت دریافت حمایت و اشنگتن برای جنگ خود با کردها، او را مجبور می‌سازد تا از کارت «ملی‌گرایی» خویش استفاده کند: شعارهای بیش‌تری درباره حمایت از فلسطین بدهد، با موافقت‌نامه قبرس بیشتر مخالفت کند، در حمایت از روسیه ژست بیش‌تری بگیرد، و «کشف» بیش‌تر و بزرگ‌تری از «تهدیدات داخلی» به کشور بزرگ ترکیه ارائه دهد.

### آیا اردوخان قادر می‌شود که دشمنی در میان حامیان ملی‌گرا و مستقل خودش را خنثی کند؟

یک نکته روشن است: قلمروی که مبتنی باشد بر میلیشای گرد قدرت‌مند، و توسط امریکا مسلح شده باشد، برای یکپارچگی کشور ترکیه تهدیدی به مراتب خطرناک‌تر از چریک‌های وامانده غیرمسلح در کوهستان‌های شمال عراق است.

چنانچه اردوخان به خواسته‌های پنتاگون تسلیم شود، شکستی تحقیرآمیز بری او خواهد بود، که ائتلاف امریکا و نیروهای دمکراتیک گرد سوریه را در مرزهای ترکیه تحمل کند. اردوخان برخی از گزینه‌های قدرت‌مند خود را دارد: ترکیه ممکن است که دسترسی نیروهای مسلح امریکا را به پایگاه‌های هوایی عظیم خود در ترکیه رد کند، در نتیجه، ترکیه «جناح جنوبی» ناتو را تضعیف می‌کند. تهدید ترکیه به خروج از ناتو به طورکل عواقب بزرگ‌تری خواهد داشت. حتی کوچک‌ترین اشاره به استفاده از این گزینه منجر به تنظیم «کودتای دوم» علیه اردوخان می‌شود. در شورش‌های جدی مورد حمایت امریکا و ناتو، مقامات ترک، «ملی‌گراها»، سکولارهای دمکراتیک و کردها در مراکز عمده شهری با سیاست‌مداران «گولونیست» و بوروکرات‌ها منتظر ایفای نقش خود هستند.

رئیس جمهور ترمپ و پنتاگون ممکن است که در سوریه پایگاه ثابتی علیه دمشق با نیابتی‌های گرد در شمال سوریه کسب کنند، اما از دست دادن ترکیه یک شکست ستراتیژیک خواهد بود. در پشت این همه اغتشاش و ویرانی، تجزیه سوریه و در نهایت ترکیه، به بهترین وجهی «طرح صهیونیستی اودید نینون» جهت ایجاد اسرائیل بزرگ و تجزیه کشورهای مسلمان نهفته است.

### درباره نویسنده:

جیمز پتراس، استاد بازنشسته (بارتل) جامعه‌شناسی دانشگاه بینگهامتون – در نیویورک ست، که کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره مبارزات جنبش‌های چپ و مترقی جهان، از جمله مبارزات خلق‌های خاورمیانه و امریکای لاتین علیه امپریالیسم و جنگ‌های امپریالیستی نوشته است.

### یادداشت‌ها:

۱ - اسرائیل و سوریه: طرح ب، برای بالکانیزه کردن سوریه: دان سانچز، برگردان: آمادور نویدی

<https://eshtrak.wordpress.com/2016/02/21>

۲ - طرح صهیونیست برای خاورمیانه: اسرائیل شاهاک، برگردان: آمادور نویدی

<https://amadornavidi.wordpress.com/2014/08/21/>

### برگردانده شده از:

US and Turkey: The Balkanization of the Middle East, BY: James Petras

<http://petras.lahaine.org/b2-img/PetrasTurkeyUS.pdf> - <http://petras.lahaine.org/?p=2141>